21713 ـ نعیم و خوشی قبر

سوال

برای متقیان در قبرشان چه اتفاقی می‌افتد؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

دلایل بسیاری وارد شده مبنی بر اینکه مومن بل فضل و رحمت الله در قبر خود از نعیم برخوردار می‌شود تا آنکه قیامت برپا شود و سپس به نعیم و خوشی بهشت منتقل می‌شود که تمامی ندارد. الله متعال ما را از اهل بهشت بگرداند.

برخی از انواع نعیم مومن در قبر:

۱ـ برایش از فرش‌های بهشت گسترده می‌شود.

۲ـ و لباس بهشتیان به او پوشانده می‌شود.

۳ـ و برایش دری به سوی بهشت می‌گشایند تا نسیم و بوی خوش بهشت به او برسد و چشمانش با دیدن نعمت‌های بهشت روشن گردد.

۴- و قبرش فراخ می‌گردد.

۵- و به خشنودی و بهشت الله مژده داده می‌شود، برای همین مشتاق می‌شود که قیامت زودتر برپا شود.

براء بن عازب ـ رضی الله عنه ـ می‌گوید: برای تشییع جنازه‌ی مردی از انصار، همراه با رسول الله رفتیم. وقتی به گورستان رسیدیم، مردم مشغول حفر لحد بودند. رسول الله رو به قبله نشست و حاضرین گرد او نشستند. ما چنان بی حرکت به سخنان آن حضرت گوش می دادیم که گوئی بالای سر ما پرندگان نشسته‌اند. رسول الله در حالی که چوب کوچکی در دست داشت و آن را پیش روی خود در زمین فرو می‌برد و گاهی بسوی آسمان و گاهی به زمین نگاه می‌کرد، فرمود:

استعیذوا بالله من عذاب القبر، (مرتین او ثلاثاً) ثم قال: اللهم إنی أعوذبک من عذاب القبر (ثلاثاً)

(از عذاب قبر، به خدا پناه جوئید. این را سه بار فرمود، سپس گفت: پروردگارا! از عذاب قبر به تو پناه می آورم)

سپس فرمود: «بنده ی مومن، وقتی از این دنیا بسوی آخرت می رود، فرشتگانی با چهره های درخشانی مانند خورشید از آسمان بسوی او فرود می آیند. آنان کفن ها و مواد خوشبوئی از بهشت همراه دارند. تا جائی که چشم مومن کار کند اطراف او می‌نشینند. سپس، ملک الموت (فرشته‌ی مرگ) می آید و بالای سرش می‌نشیند و می‌گوید: ای روح پاک (و در حدیثی دیگر، ای نفس مطمئنه) بشتاب به سوی مغفرت و خوشنودی‌ای که از جانب الله برای تو مهیا شده است. روح آن مومن مانند چکیدن قطره از مشک آب بیرون می‌شود و فرشته‌ی موت آن را می‌گیرد. (در روایتی آمده : هر وقت روح مومن بیرون می‌آید، تمام فرشتگان موجود میان زمین و آسمان و تک تک فرشتگان آسمان برای او دعای مغفرت می‌خوانند. تمام درهای آسمان برای او باز می‌شوند. دربانان آسمان، تمنا می‌کنند که آن روح از ناحیه‌ی آنها به آسمانها برده شود) وقتی فرشته‌ی موت روح او را قبض می‌کند، فرشتگان حاضر، بلافاصله آن را از او گرفته و در کفن‌های بهشتی می‌گذارند و با مواد خوشبوئی که همراه دارند آن را معطر می‌سازند. آیه‌ی تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لاَ یفَرِّطُونَ (فرشتگان ما کوتاهی ننموده و جان او را می گیرند). به همین معنی اشاره دارد. چنان عطر و بوی خوشی از کفن‌ها بیرون می‌آید که نظیر آن هرگز بر روی زمین دیده نشده است. فرشتگان آن روح را به آسمان‌ها می‌برند. از کنار هر گروهی از فرشتگان که می‌گذرند، آنها می‌گویند: ما هذا الروح الطیب؟ این روح پاکیزه از آن چه کسی است؟ فرشتگان در جواب با ذکر بهترین نامی که او در دنیا داشته است می‌گویند: فلانی فرزند فلانی است. وقتی به آسمان دنیا (نزدیک ترین آسمان به زمین) می‌رسند، دروازه‌ی آسمان گشوده می‌شود. فرشتگان مقرب هر آسمان تا آسمان دیگر آن را تشییع می‌کنند تا زمانی که به آسمان هفتم می‌رسند. خداوند متعال می‌فرماید: أکتبوا کتاب عبدی فی علیین (کتاب [اعمال] بنده‌ی مرا در علیین بنویسید). کتاب او در علیین نوشته می‌شود. بعد از جانب خداوند حکم می‌شود: او را به زمین برگردانید، چرا که من وعده کرده‌ام که: آنان (انسانها) را از زمین آفریده و به زمین برگردانم و بار دیگر آنها را از زمین بیرون بیاورم. هنگامی که روح بسوی زمین برگردانده شود، و دوباره در جسد قرار گیرد صدای پای دوستان و خویشاوندان خود را که تازه از دفن فارغ شده‌اند و بر می‌گردند، می‌شنود. بلافاصله دو فرشته بصورت ترسناک نزد او می‌آیند. او را می نشانند و از وی می پرسند: من ربک؟ پروردگارت کیست؟ می‌گوید: پروردگار من الله است. می‌پرسند : دینت چیست؟ می‌گوید: دین من اسلام است. سوال می‌کنند: این مرد که میان شما مبعوث شده است، چه کاره است؟ می‌گوید: او رسول خدا است. سوال می‌کنند: در دنیا چه عمل نموده‌ای؟ می‌گوید: قرآن خدا را خواندم و به آن ایمان آوردم و آن را تصدیق کردم. آن فرشتگان بار دوم با خشونت تمام همان سوالها را تکرار می‌کنند. این آخرین امتحانی است که بر انسان مومن عرضه می‌شود. آیه‌ی یثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا به همین لحظات حساس و خطیر اشاره دارد. مرد مومن همان پاسخ ها را تکرار می‌کند. از آسمانها ندا می آید: بنده‌ی من راست می‌گوید. فرش بهشتی برایش پهن کنید و لباس بهشتی بر او بپوشانید و دری به سوی بهشت برایش بگشایید. آنگاه نسیم خوش بهشت از آن روزنه به مشامش می‌رسد. و تا جایی که چشمش کار می‌کند قبرش توسعه داده می‌شود. سپس مردی زیبا و خوش

چهره با لباس خوب و معطر، نزد او می‌آید و می‌گوید: رضایت پروردگار و باغهایی که نعمت های جاودان دارند، بر تو مبارک باد. این همان روزی است که در دنیا به تو وعده داده شده بود. انسان مومن از آن مرد خوش چهره و زیبا سوال می‌کند: تو چه کسی هستی؟ می‌گوید: من عمل صالح تو هستم. آنگاه دری از جانب بهشت و دری از جانب دوزخ باز می‌شود و در حالیکه به دوزخ اشاره می‌شود، به او گفته می‌شود: این (دوزخ) منزل تو بود، اگر در دنیا معصیت می‌کردی. اکنون خداوند در عوض آن، این بهشت (اشاره به بهشت) را به تو داده است. وقتی چشم آن مرد مومن به نعمت‌های درون بهشت می‌افتد می‌گوید: پروردگارا قیامت را هر چه زودتر برپا کن تا من سریعتر نزد فامیل و مال خود برگردم....

به روایت احمد (۱۷۸۰۳) و ابوداود (۴۷۵۳). علامه آلبانی در احکام جنایز (۱۵۶) آن را صحیح دانسته است.

۶- خوشحالی از دیدن جایگاه خود در آتش که خداوند به جای آن جایگاهی در بهشت به وی ارزانی داشته است.

امام احمد (۱۰۵۷۷) از ابوسعید خدری روایت کرده که گفت: همراه با رسول الله در تشییع جنازه‌ای حاضر بودم، پس ایشان فرمودند: ای مردم این امت در قبرهایشان مورد آزمایش قرار می‌گیرند، پس هرگاه انسان دفن شود و اصحابش از نزد او پراکنده گردند فرشته‌ای به نزد او می‌آید که پتکی در دست دارد، پس او را می‌نشاند و می‌گوید: درباره‌ی این مرد (یعنی پیامبر) چه می‌گویی؟ اگر مومن باشد می‌گوید: گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله و اینکه محمد بنده و فرستاده‌ی اوست. پس می‌گوید: راست گفتی، سپس برایش دری به سوی آتش جهنم گشوده می‌شود و می‌گوید: اگر به پروردگارت کفر ورزیده بودی این خانه‌ی تو بود، اما اکنون که ایمان آوردی این منزل توست؛ آنگاه برایش دری به سوی بهشت گشوده می‌شود. مومن [با دیدن بهشت] می‌خواهد به سوی آن برود، پس به او گفته می‌شود: آرام باش... سپس قبرش برایش فراخ می‌گردد. اما اگر کافر یا منافق باشد فرشته به او می‌گوید: درباره‌ی این مرد چه می‌گویی؟ می‌گوید: نمی‌دانم! شنیدم مردم چیزهایی می‌گفتند! فرشته می‌گوید: نه دانستی و نه اعتراف کردی و نه هدایت شدی! سپس برایش دری به سوی بهشت می‌گشایند و به او می‌گوید: اگر ایمان می‌آوردی این خانه‌ی تو بود، اما اکنون که کفر ورزیده‌ای الله عزوجل به جای آن این را به تو داده است؛ و دری به سوی آتش برایش گشوده می‌شود سپس با پتک چنان بر سرش می‌کوبد که همه‌ی آفریدگان به جز انسان‌ها و جنیان صدایش را می‌شنوند. مردم گفتند: ای رسول خدا، هر کس که فرشته‌ای را با پتک بالای سرش ببیند می‌ترسد [و نمی‌تواند سخن بگوید]! رسول الله فرمود: الله متعال مومنان را با سخن ثابت، پایدار می‌سازد.

علامه آلبانی این روایت را در تحقیق کتاب السنة ابی عاصم (۸۶۵) صحیح دانسته است.

۷ـ همانند عروس آسوده می‌خوابد.

۸ـ و قبرش برایش نورانی می‌شود.

از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت است که رسول الله فرمودند: هرگاه میت ـ یا یکی از شما ـ را دفن نمودند، دو فرشته‌ی سیاه و آبی به نزدش می‌آیند. یکی از آن دو را منکَر و دیگری را نَکیر می‌گویند. پس [از میت] می‌پرسند: درباره‌ی این مرد چه می‌گفتی؟ پس آنچه را قبلا [در دنیا] می‌گفته می‌گوید: او بنده‌ی الله و پیامبرش هست و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله و اینکه محمد بنده و پیامبر اوست. پس می‌گویند: می‌دانستیم که این را خواهی گفت. سپس قبرش را برایش به اندازه‌ی هفتاد گز در هفتاد گز گسترده می‌سازند و آن را نورانی می‌کنند سپس به او می‌گویند: بخواب. می‌گوید: می‌خواهم نزد خانواده‌ام برگردم و آنان را [از حال خوبم] باخبر سازم. می‌گویند: همانند عروس [راحت] بخواب. خوابی که جز محبوب‌ترین کسانش او را بیدار نمی‌کنند، تا آنکه خداوند او را از خوابش بیدار می‌کند. و اگر منافق باشد می‌گوید: شنیدم مردم چیزی می‌گویند و من نیز مانند آنان گفتم و نمی‌دانم! به او می‌گویند: می‌دانستیم این را خواهی گفت. پس به زمین می‌گویند: به او فشار بیاور، پس زمین جمع می‌شود طوری که دنده‌هایش در هم می‌رود و همچنان در آن عذاب می‌شود تا آنکه خداوند او را مبعوث کند. به روایت ترمذی (۱۰۷۱) و آلبانی آن را در سلسلة الصحيحة (۱۳۹۱) صحیح دانسته است.

خواب او را برای این به خواب عروس تشبیه کرد زیرا عروس در بهترین و خوش‌ترین حالت است. (تحفة الأحوذی).

این برخی از نعیم و خوشی مومن در قبرش بود. از الله متعال خواهانیم ما را از از اهل آن بگرداند.

والله اعلم